

IDW

جلد

۲

کاور

A

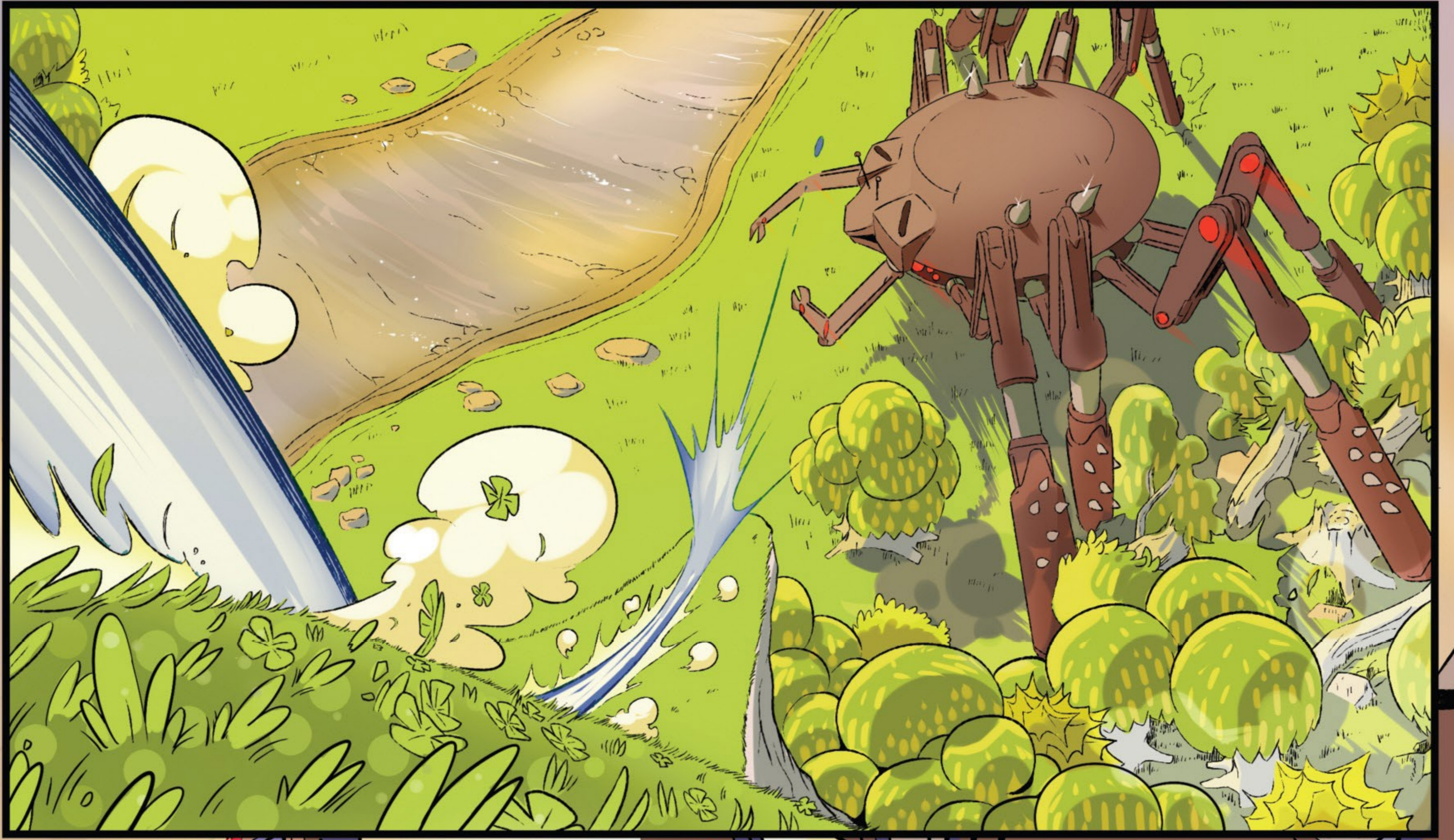
سونیک

جوچہ تیغی

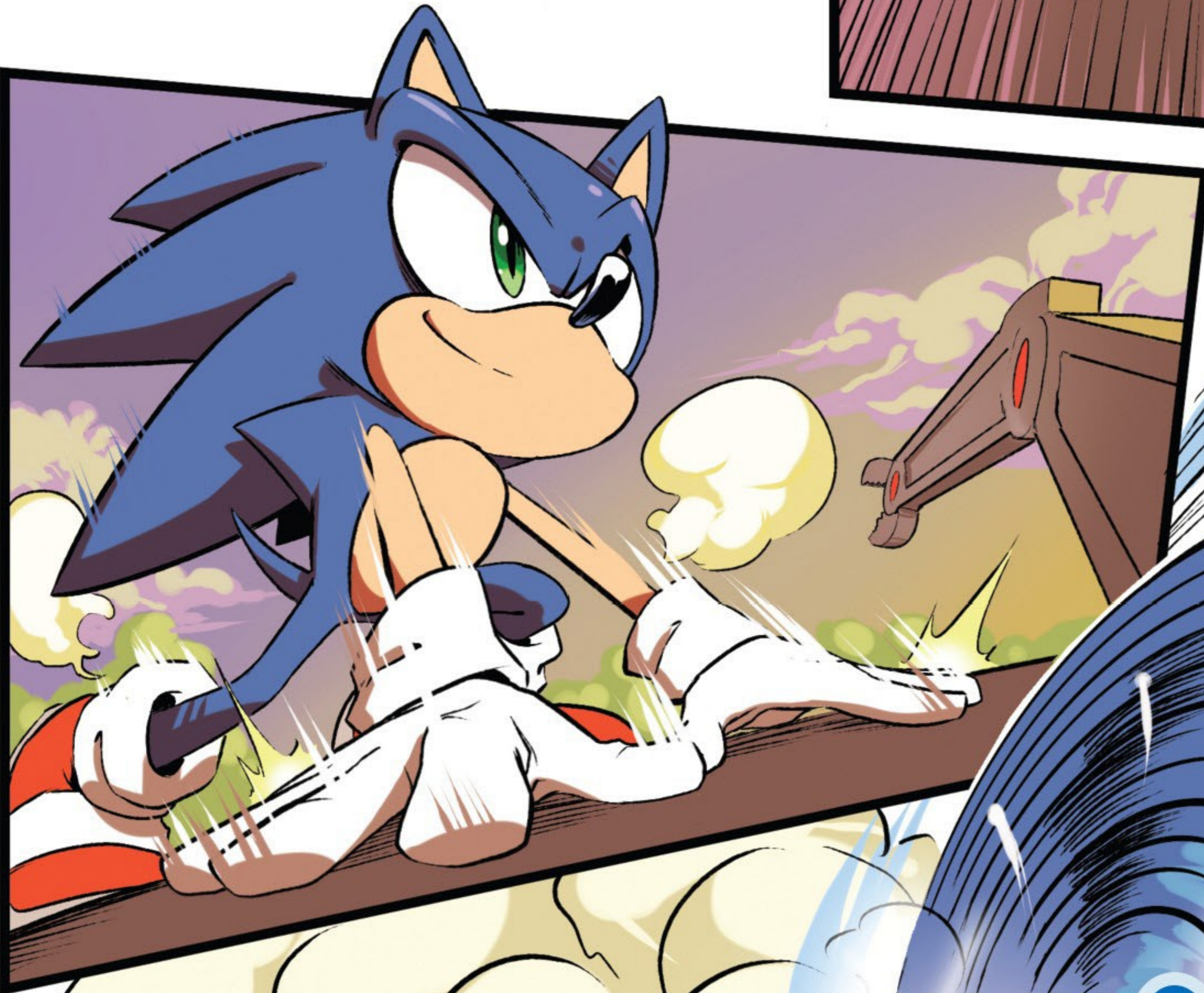
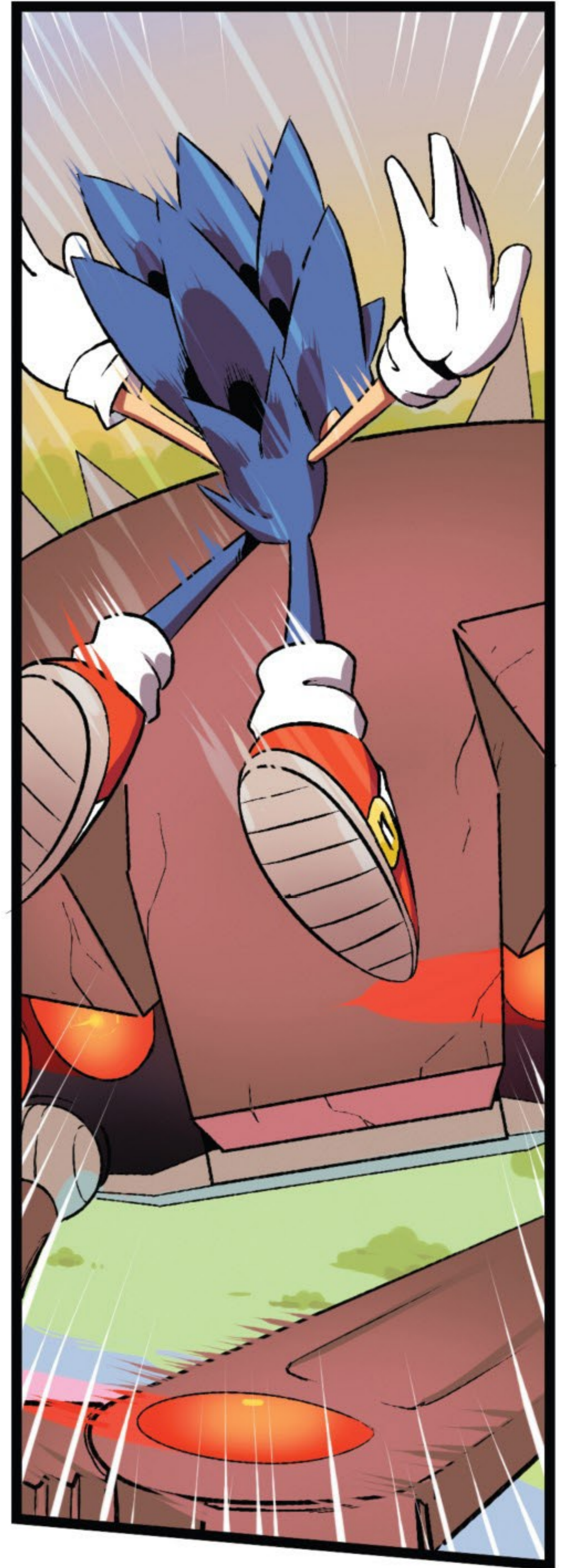
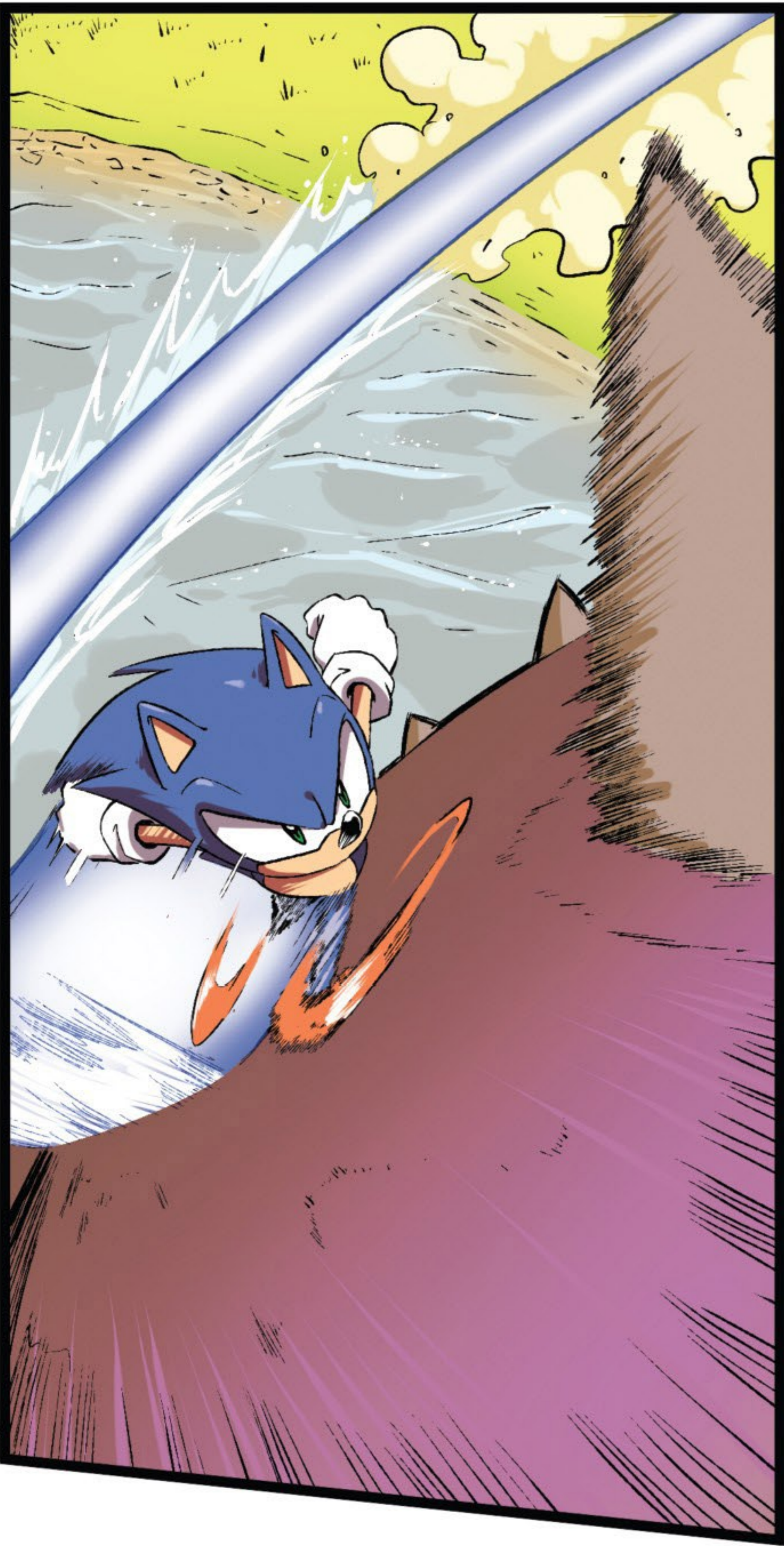


فلین . توماس . م. قلی زاده

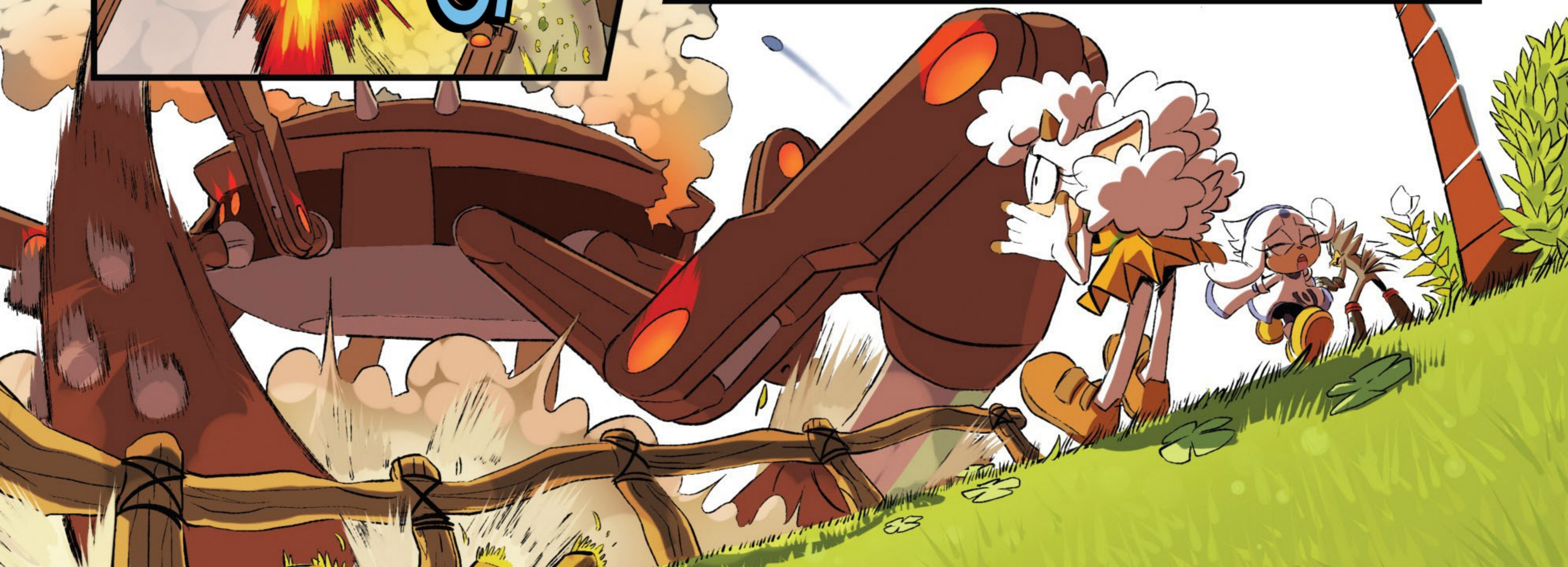
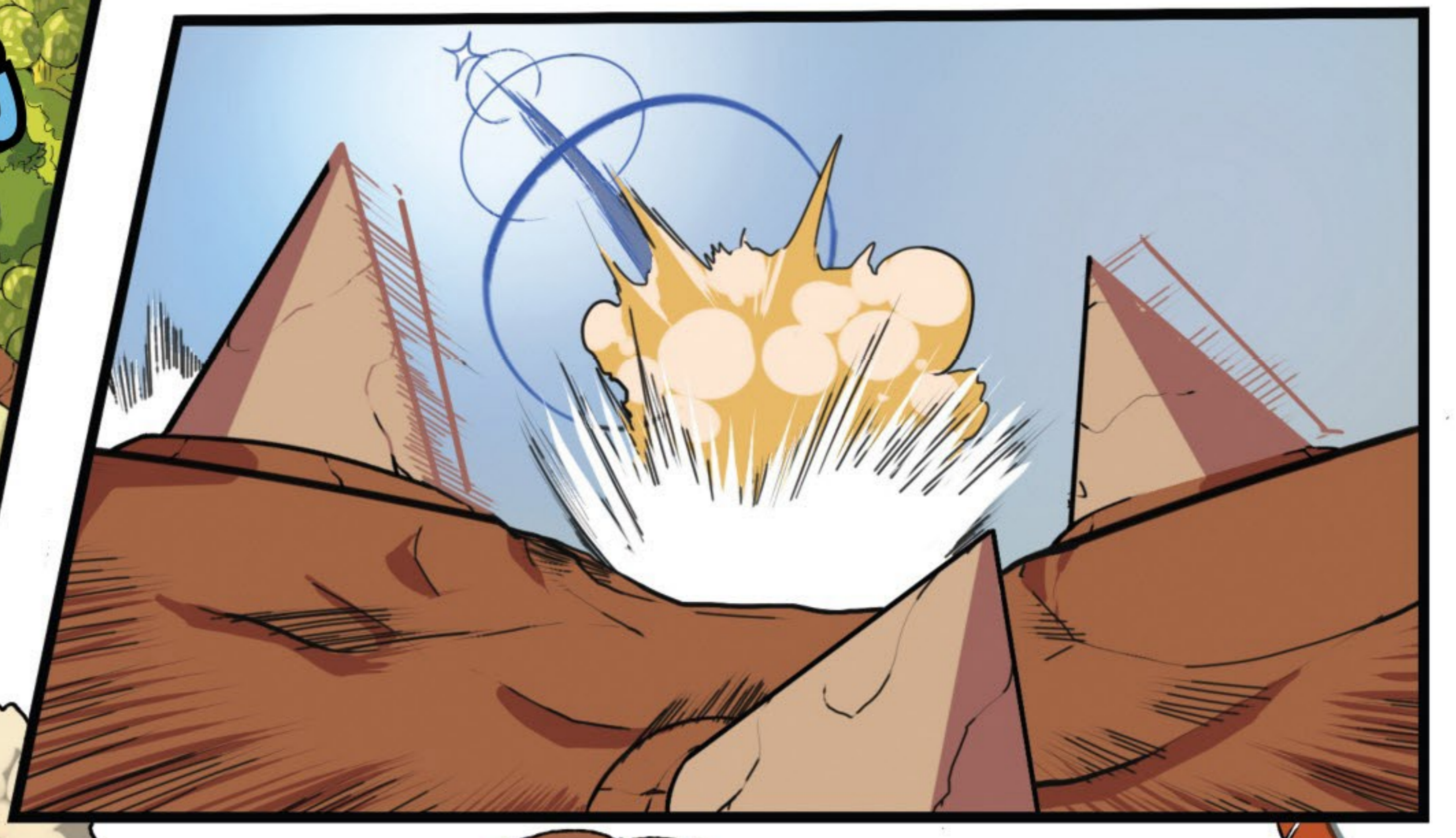
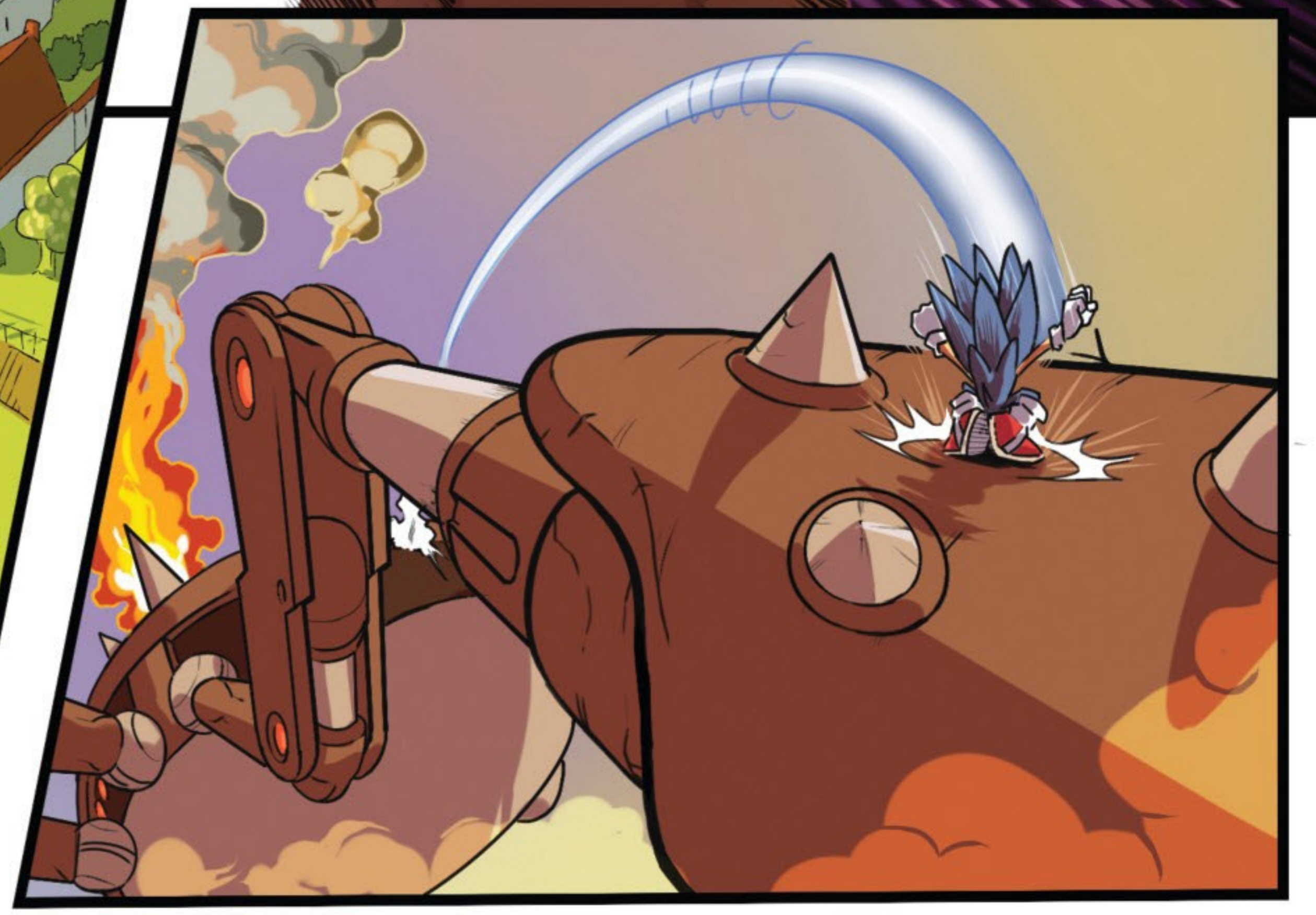
IDW
SONIC
Persian
SEGA®



مسابقه
بدی نیست،
گندهبک! ولی امکان
نداره بذارم اون شهر
رو زیر پاهات
له کنی!



والله اعلم





هایاه!

پیکو



داری حواس
پرت میشی،
سونیک.

ایمی.
عجیبه
که اینجا
می بینمت.



خبر بهم رسید که تو و تیلز
چه کار کردید تو شهر همسایه
و منم سریع خودمو رسوندم!
من خوب می دونستم
که گذرت به اینجا
می خوره!



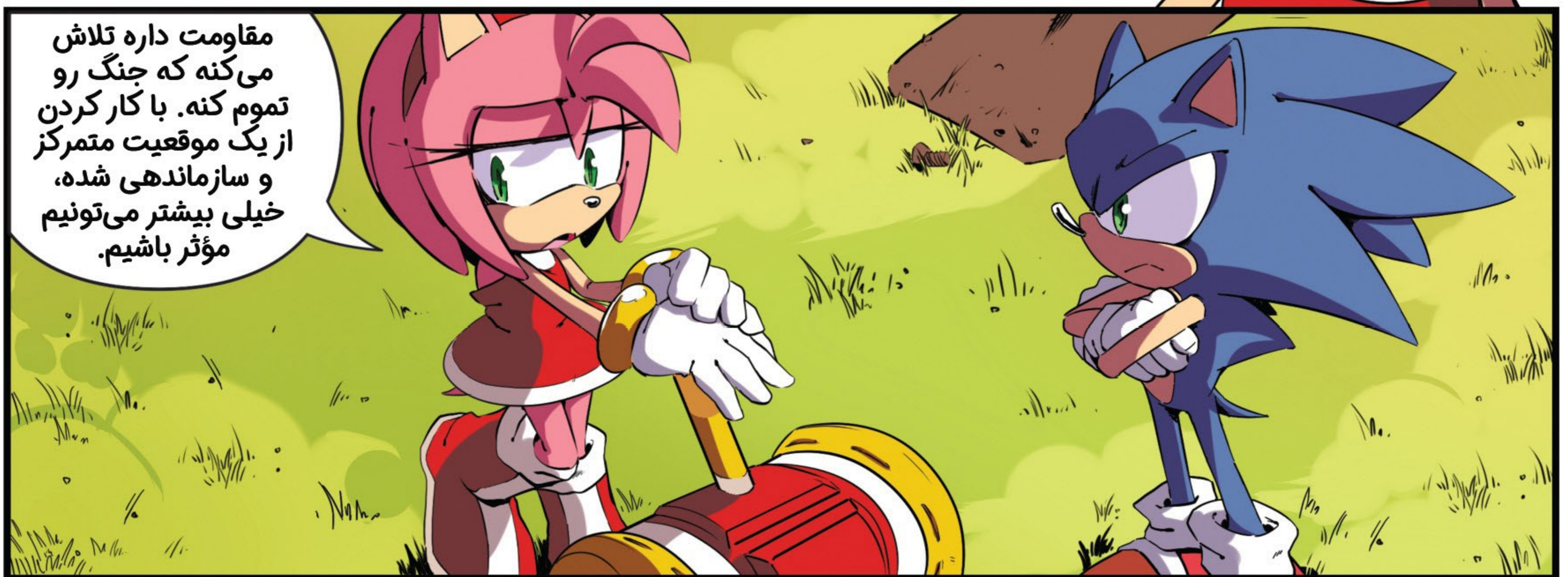
هاه.
خبرها
چقدر زود
می رسه...



آه...
به هر حال.

به نظر
می رسه همه چیز
اینجا تحت کنترله.
ممنون بابت نجات
دادن. فعلاً!

سونیک--
صبر کن!
من مخصوصاً اومدم
اینجا که پیدات کنم!





تیلز به
یه چیزی اشاره کرد که
تا الان ذهنمو درگیر کرده.
آخرین گروه بدنیک‌هایی
که باهاشون رودرو شدیم
خیلی هماهنگ‌تر
بودن.

ولی
هنوز سروکله
اگمن پیدا نشده
که مسئولیتش رو
گردن بگیره. ظرافت
تو راست کارش
نیست.



و حالا تو هم خیلی اتفاقی
خبردار شدی که کجام،
اونم دقیقاً وقتی که یه
سوپر‌بدنیک دیگه حمله
کرد به جایی که احتمالاً
هردومون باشیم؟

وای...
به اینش فکر
نکرده بودم.



بخاطر همین چیزاست
که باید برگرد به
مقاومت.

نخیر،
بخاطر همین
چیزاست که باید بزخم
به جاده و بفهمم
دقیقاً چه خبر شده!



می‌توننی هفته‌ها--
یا حتی ماه‌ها--
از این شهر به اون شهر
بری دنبال سرنخ!

و مردم
بیشتری رو نجات
بدم از حملات بیشتر
بدنیک‌ها. این واسه
همه بُرد-بُرد هست.



سونیک! خانم رزا!
وضعیت اضطراری!
بهمون حمله شده!
نفس



مشکلی نیست. ما
سوپردنیک رو
شکست دادیم.

نفس
نه! منظورم یه ارتشه!
از غرب دارن حمله
می کنن!



خرچنگ یه
تله بود...

باید جلوی
حمله رو بگیریم
تا قبل از اینکه
شهر اشغال بشه!

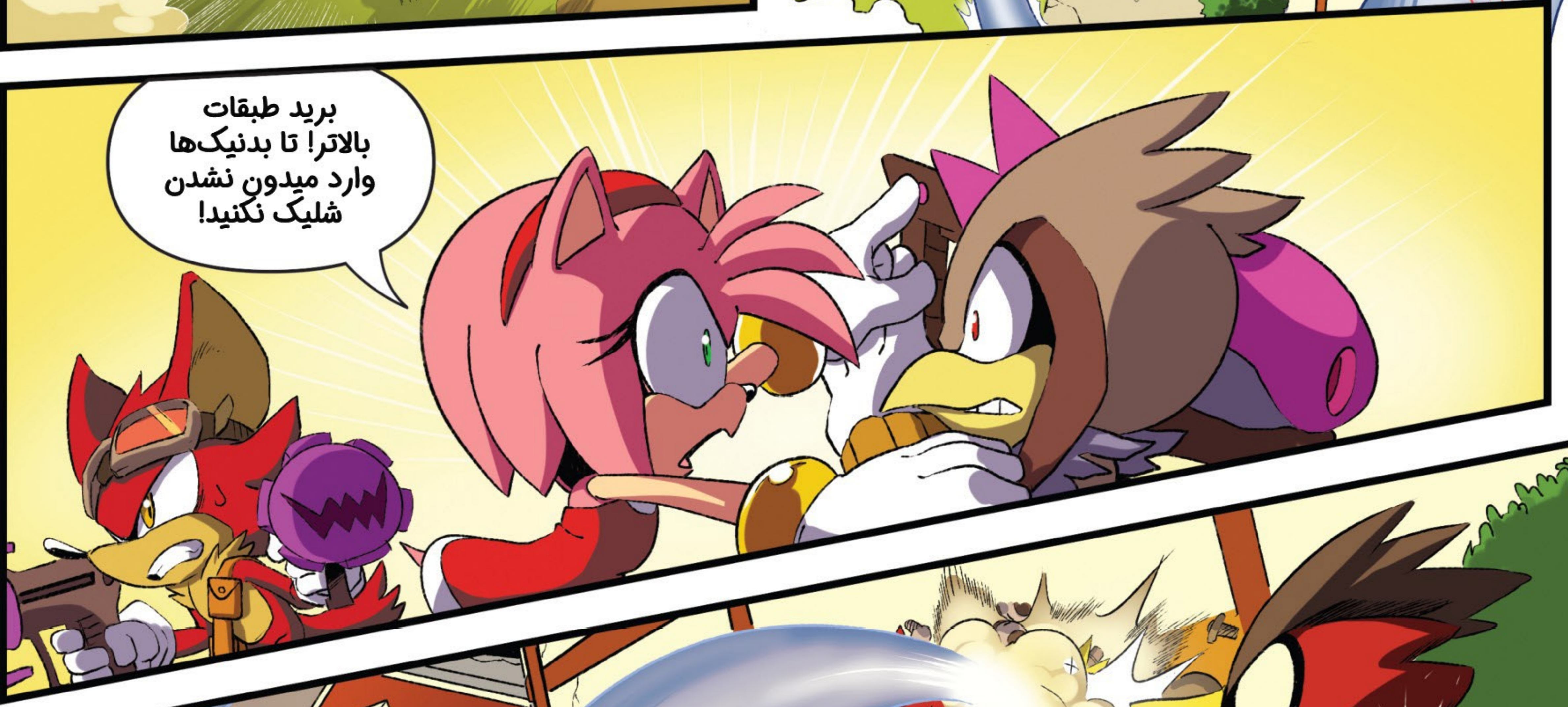
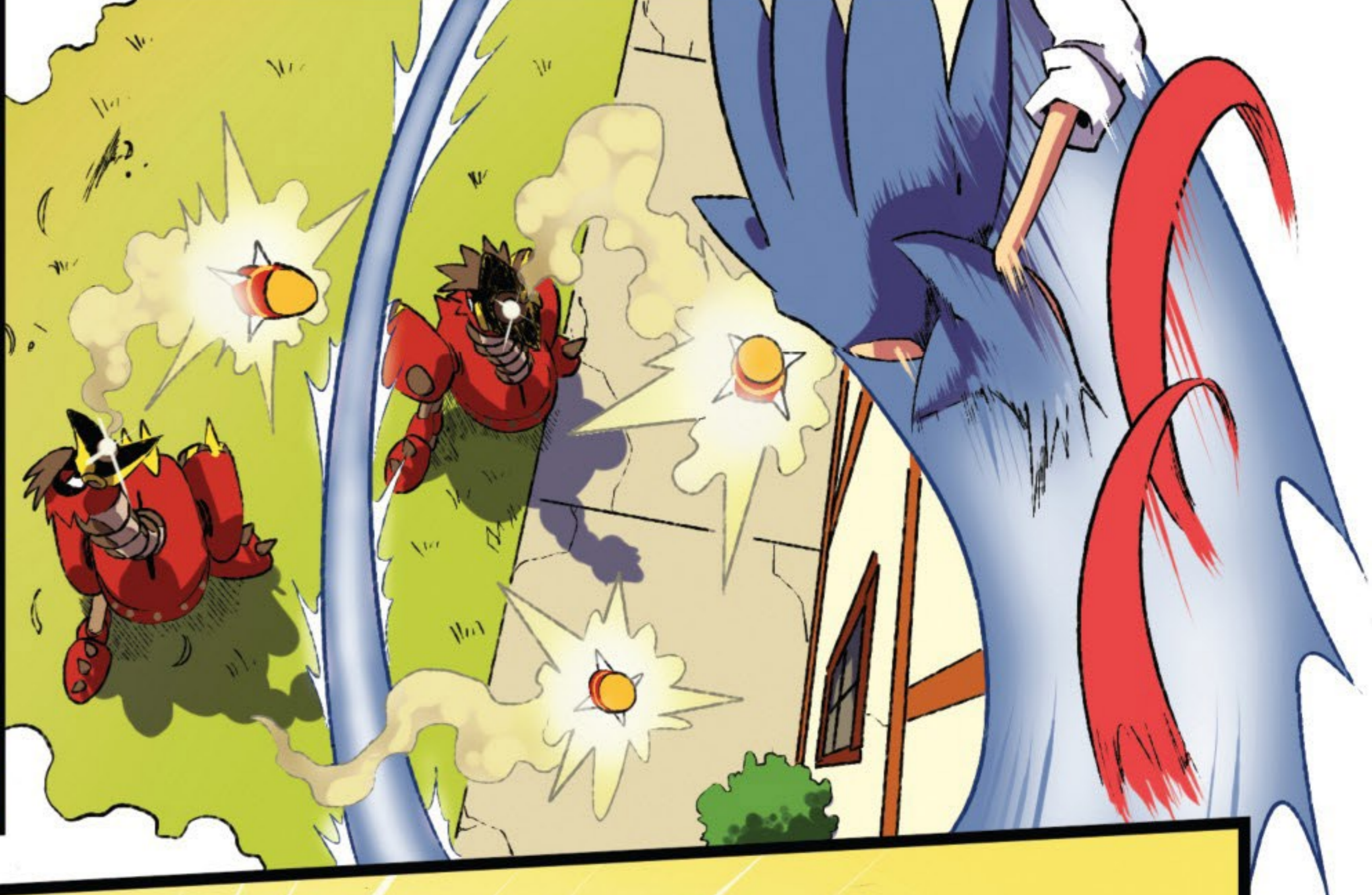


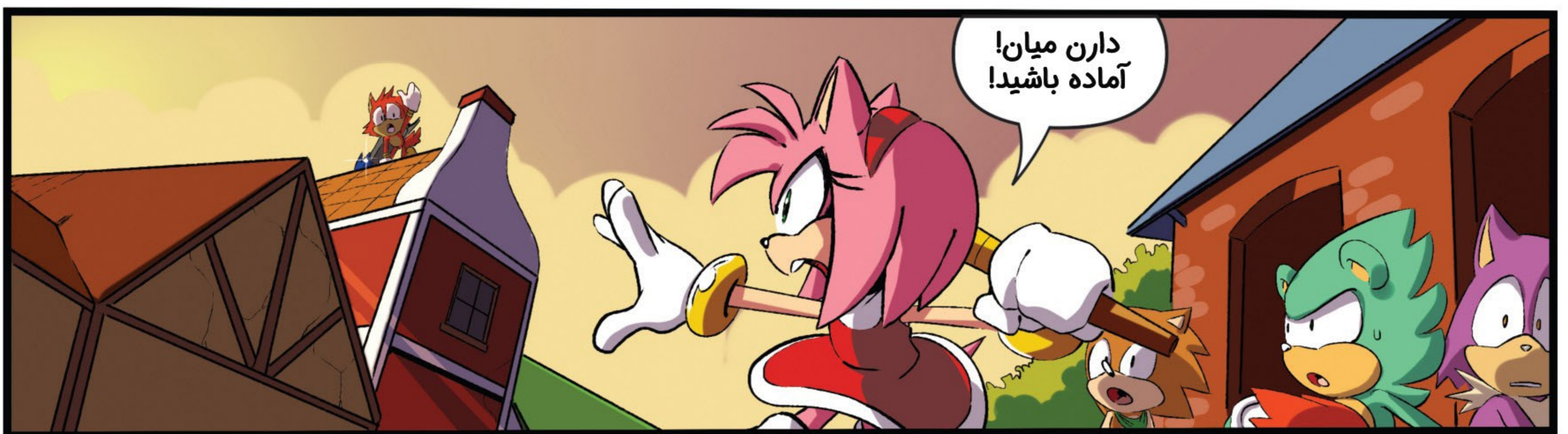
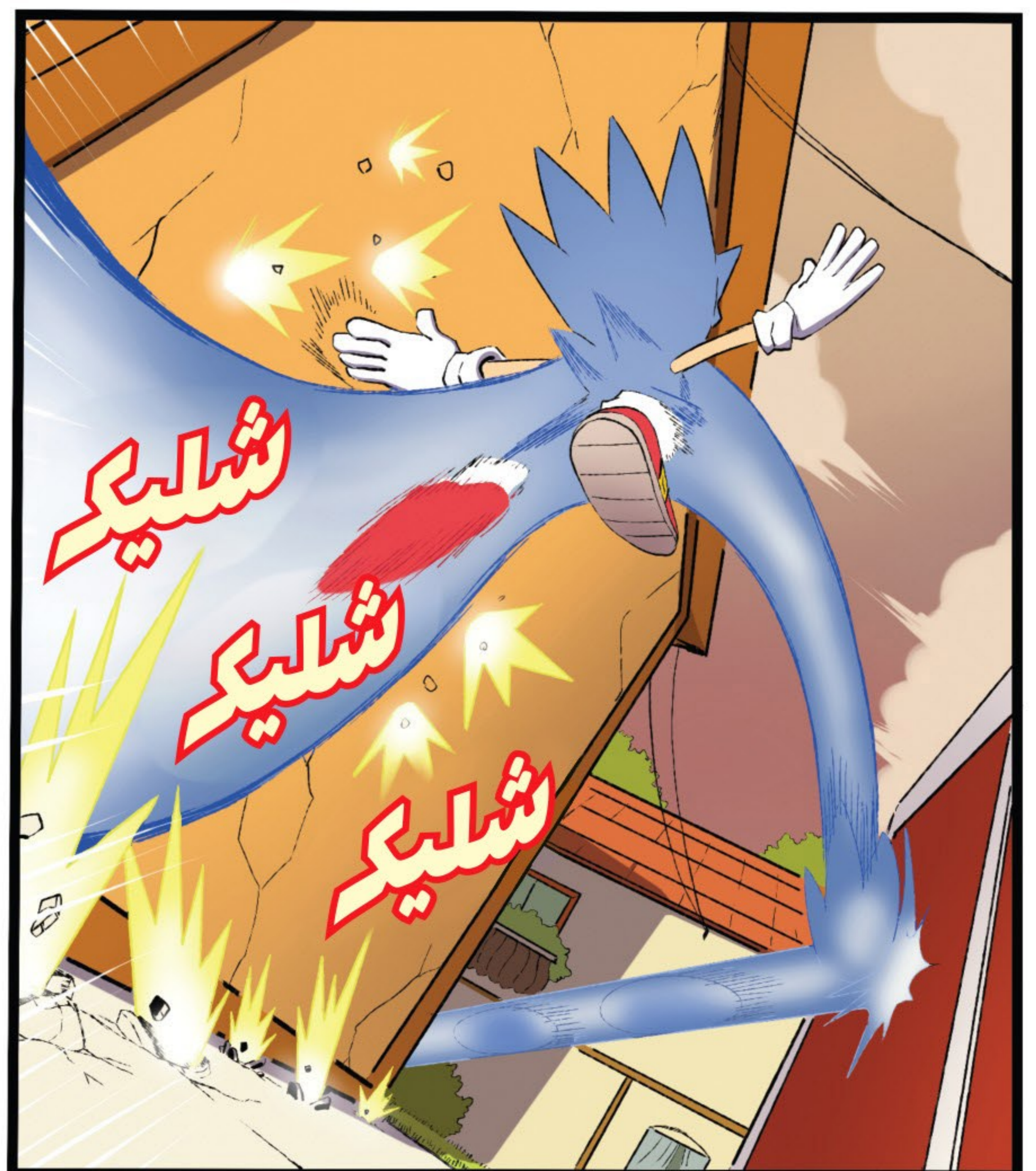
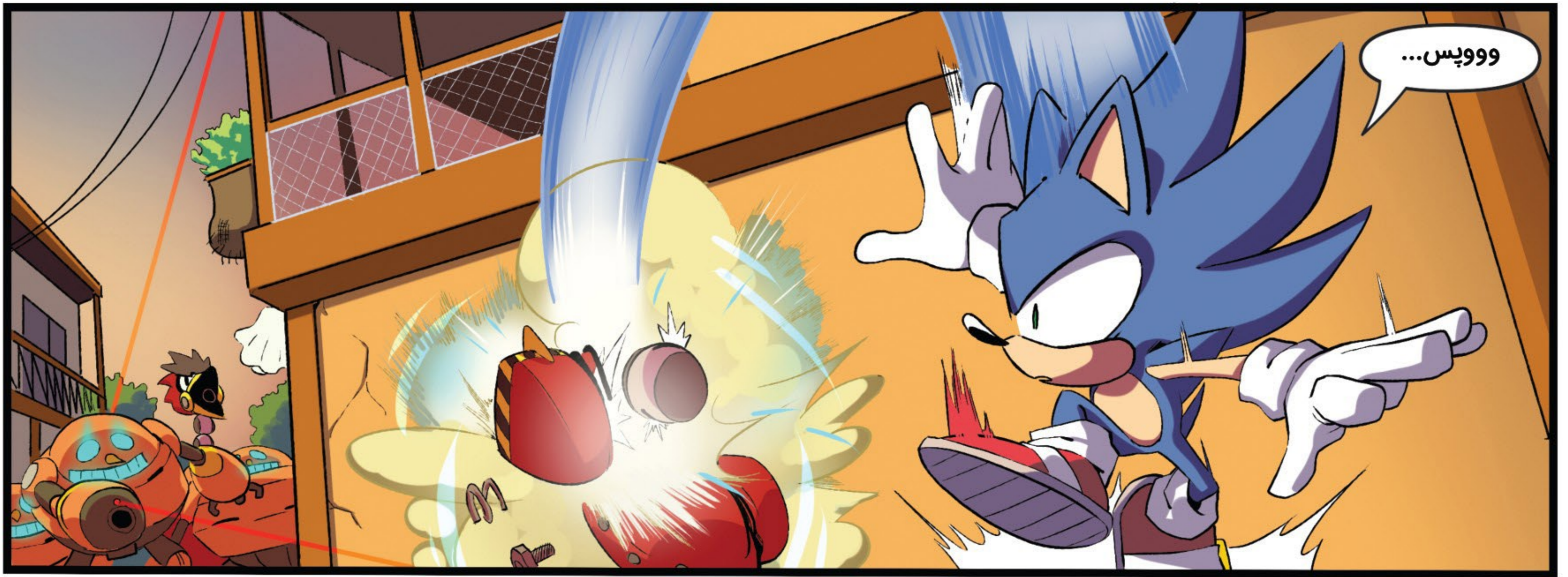
من جلوتر میرم
تعدادشونو
کمتر کنم!

چیزی
برای دفاع
کردن دارید؟

ما ساختمون
شهرداری رو
تبدیل به یه جور
پناهگاه کردیم
حین جنگ...

منو ببر
اونجا!







فکر کردم ناکلز
فرمانده مقاومت
بود.

اوه، اونم چه
فرمانده‌ای. ولی
فکر می‌کنی کی
همه چیز رو
مرتب و هماهنگ
نگه داشت؟



عالی.

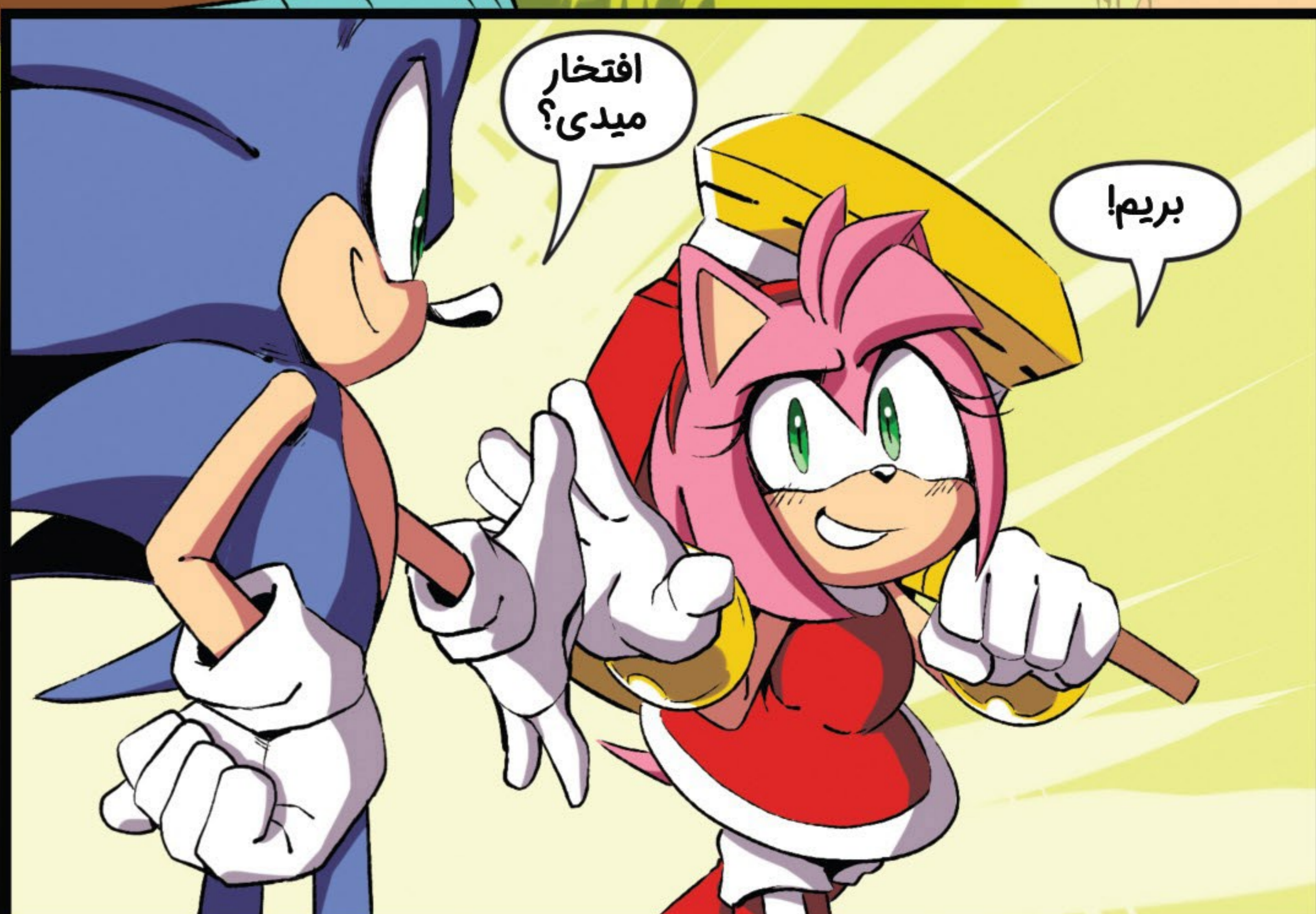
خب
نقشه
چیة؟

این
موقعیت قابل
دفاع خوبیه، و
شبه‌نظامی‌ها جای
خوبی قرار گرفتن،
ولی...



بدنیک‌ها
زیادی‌ان؟

بدنیک‌ها زیادی‌ان.
درهم‌شکسته میشیم.
ما باید اونجایی که ازش
میان رو پیدا کنیم و
پیشروی‌شون رو کمتر کنیم تا
محل‌ها بتونن شانس
داشته باشن.

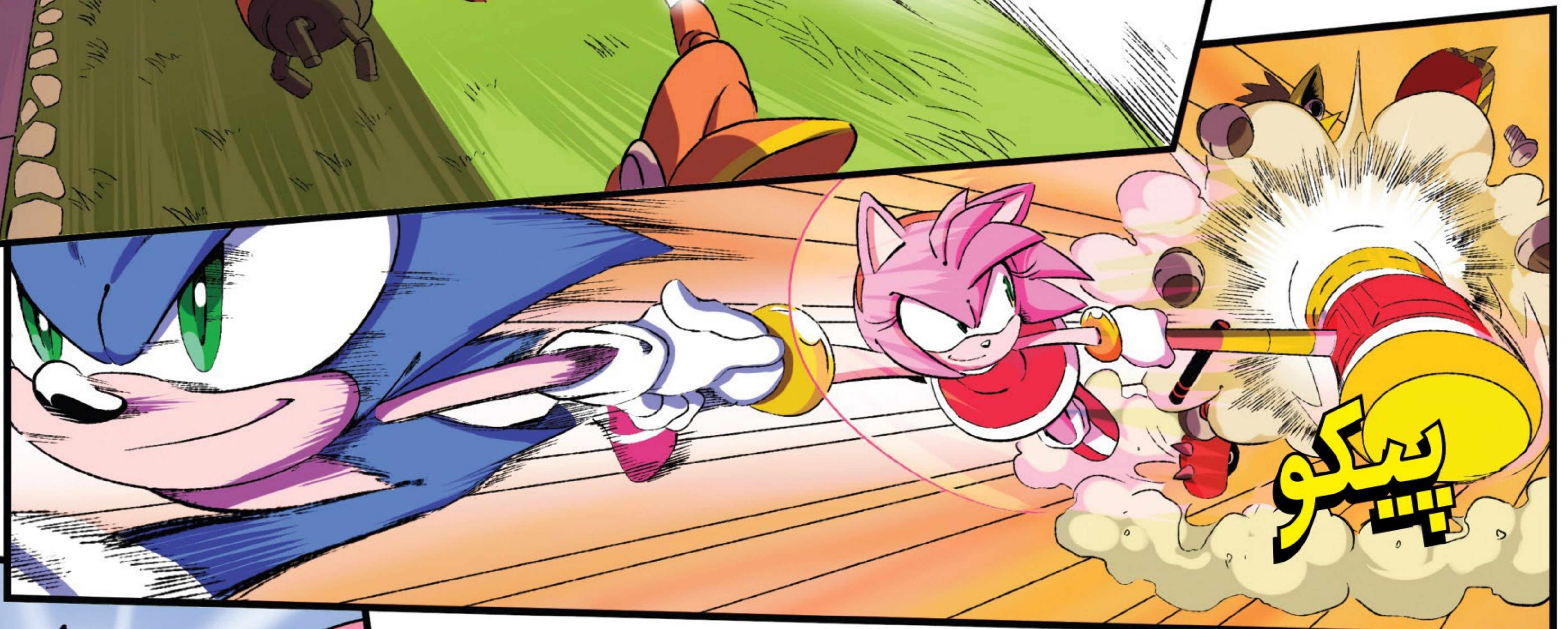


افتخار
میدی؟

بریم!



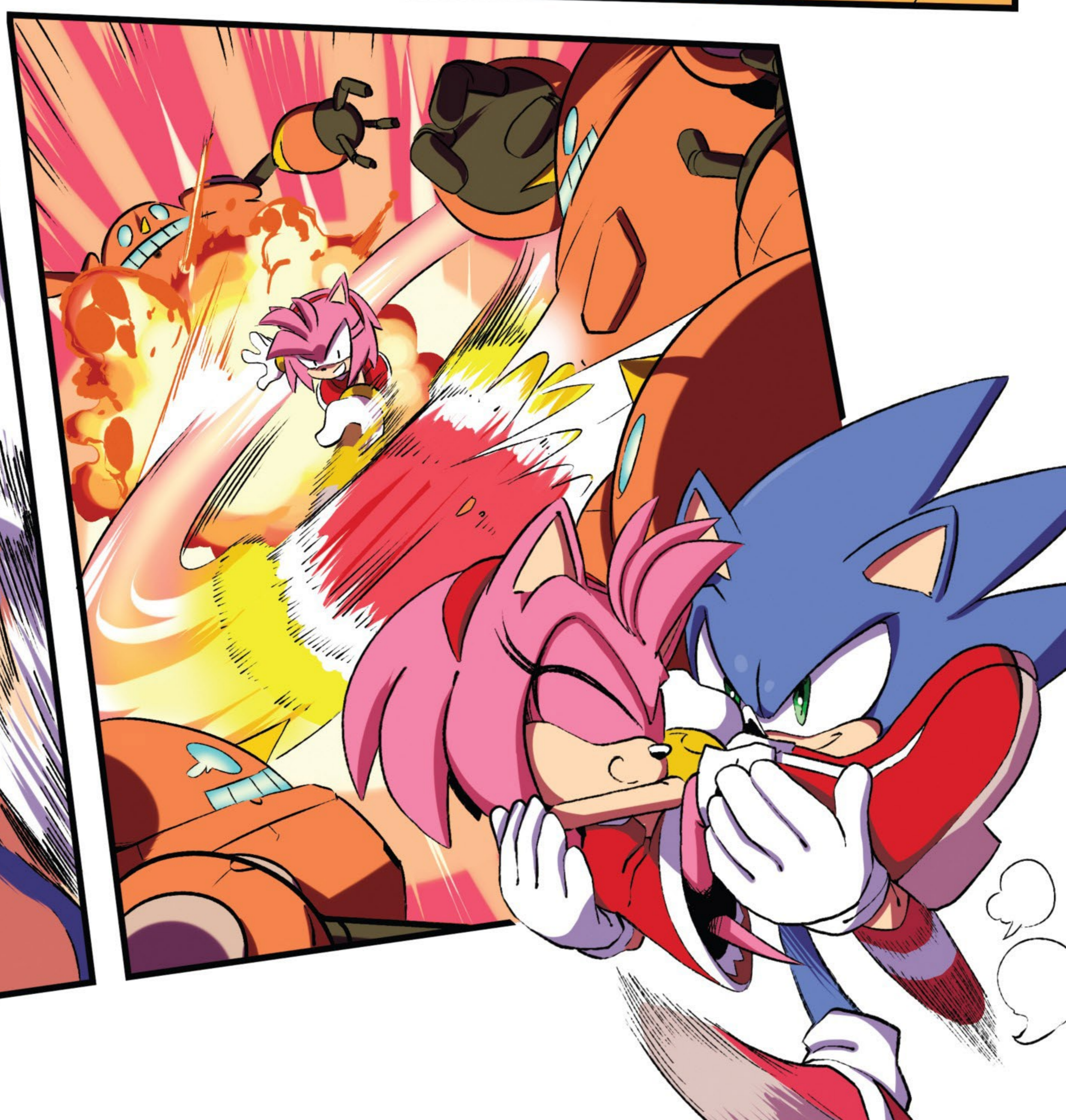
فائز شد



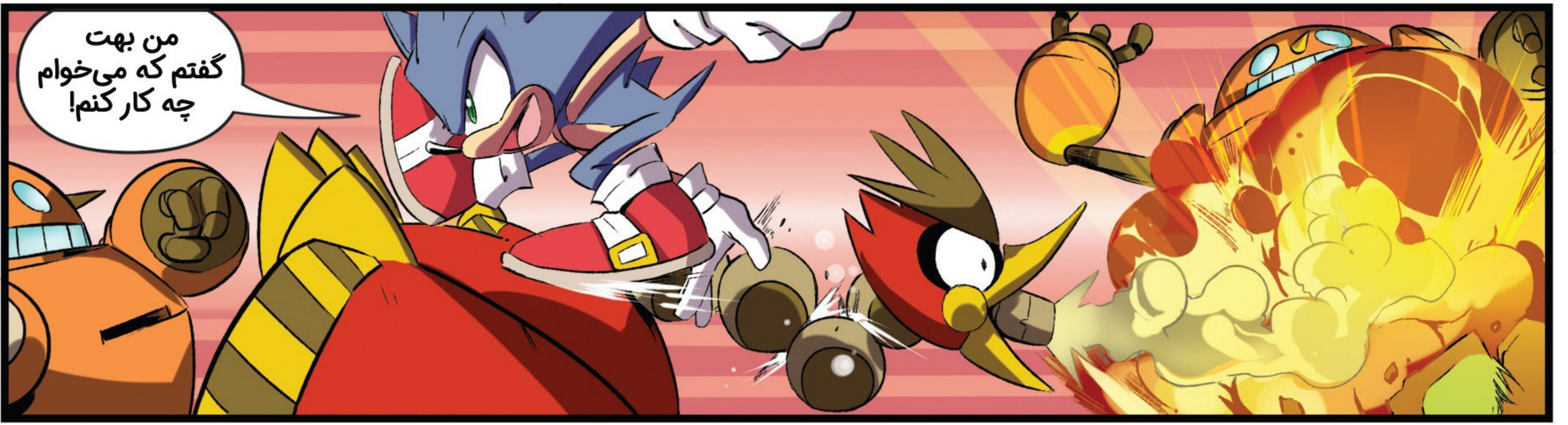
پہنچو



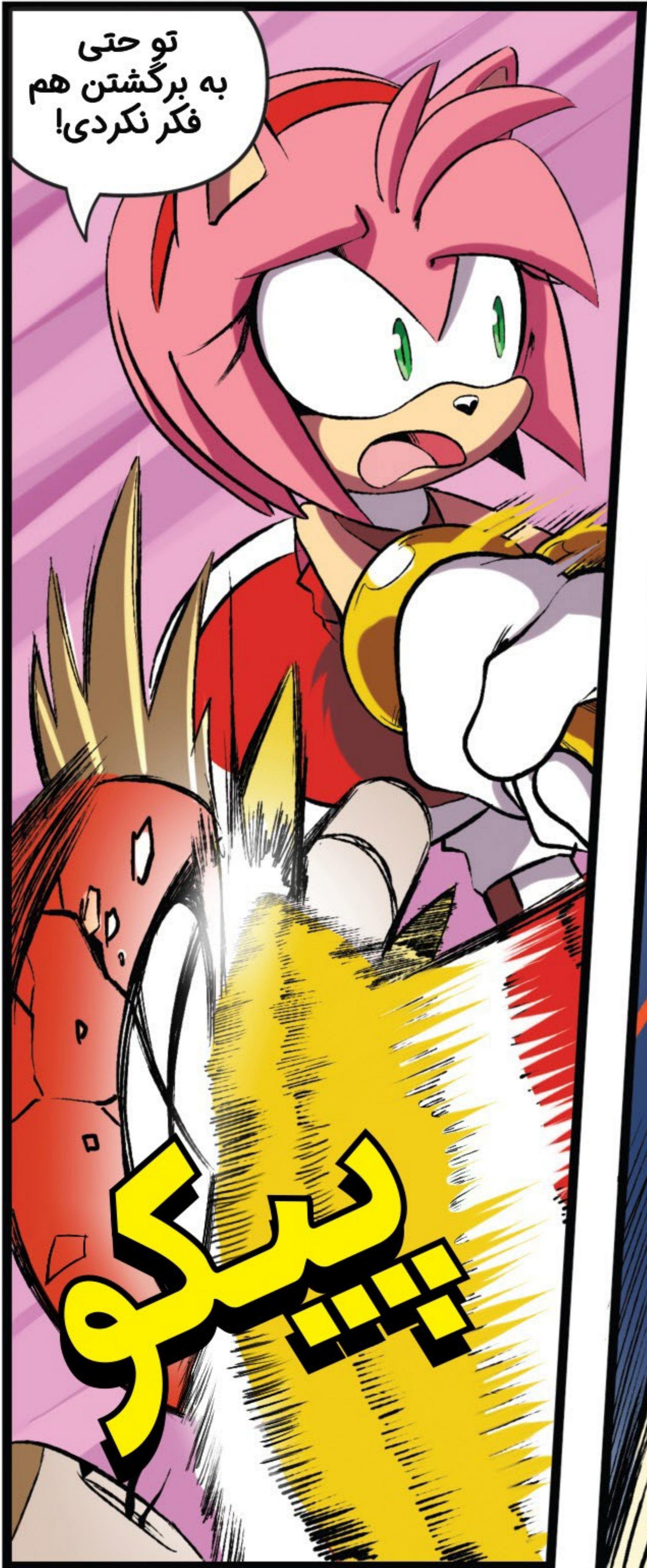
فوارش





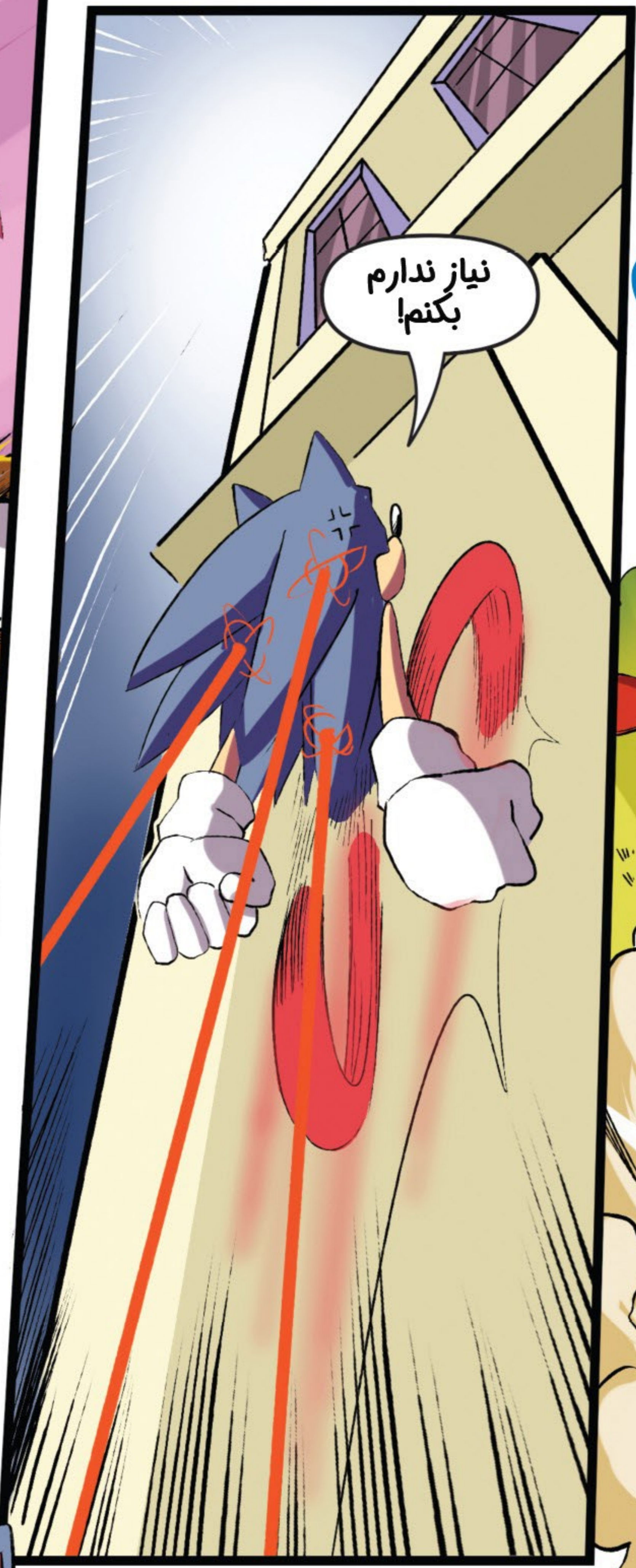


من بهت
گفتم که می‌خوام
چه کار کنم!

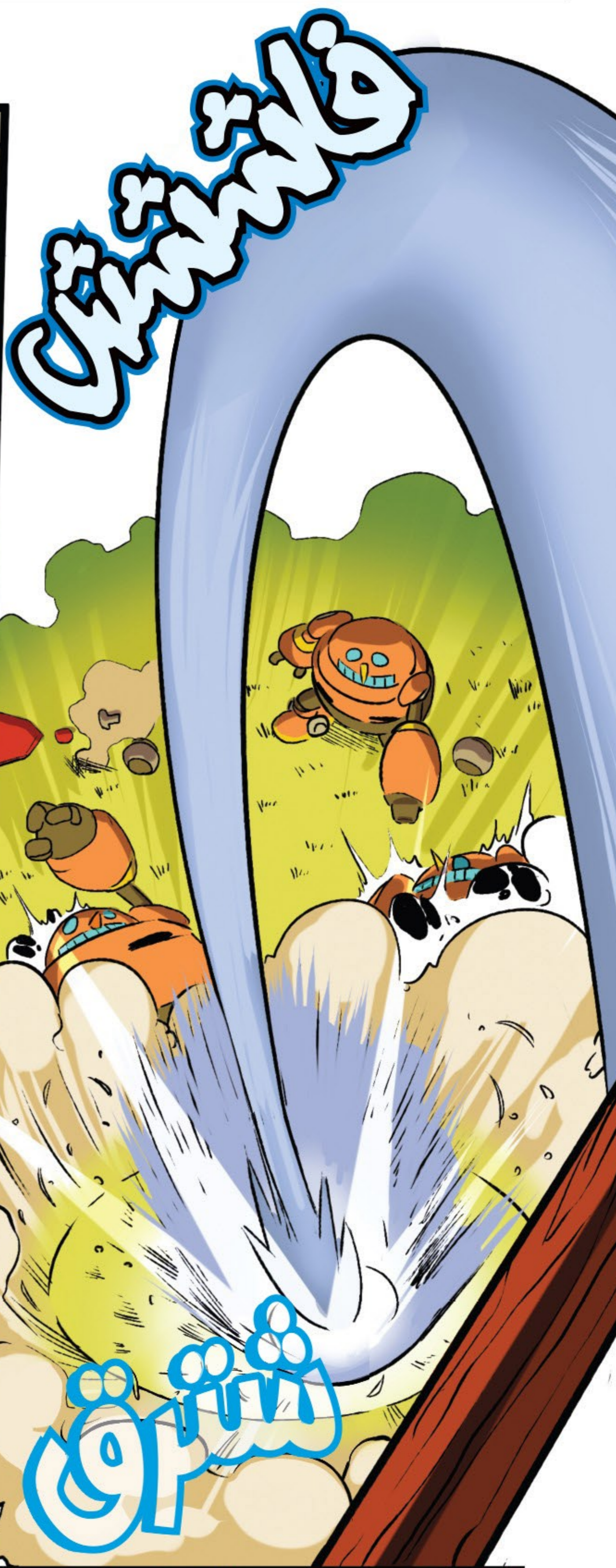


تو حتی
به برگشتن هم
فکر نکردی!

پیچو



نیاز ندارم
بکنم!



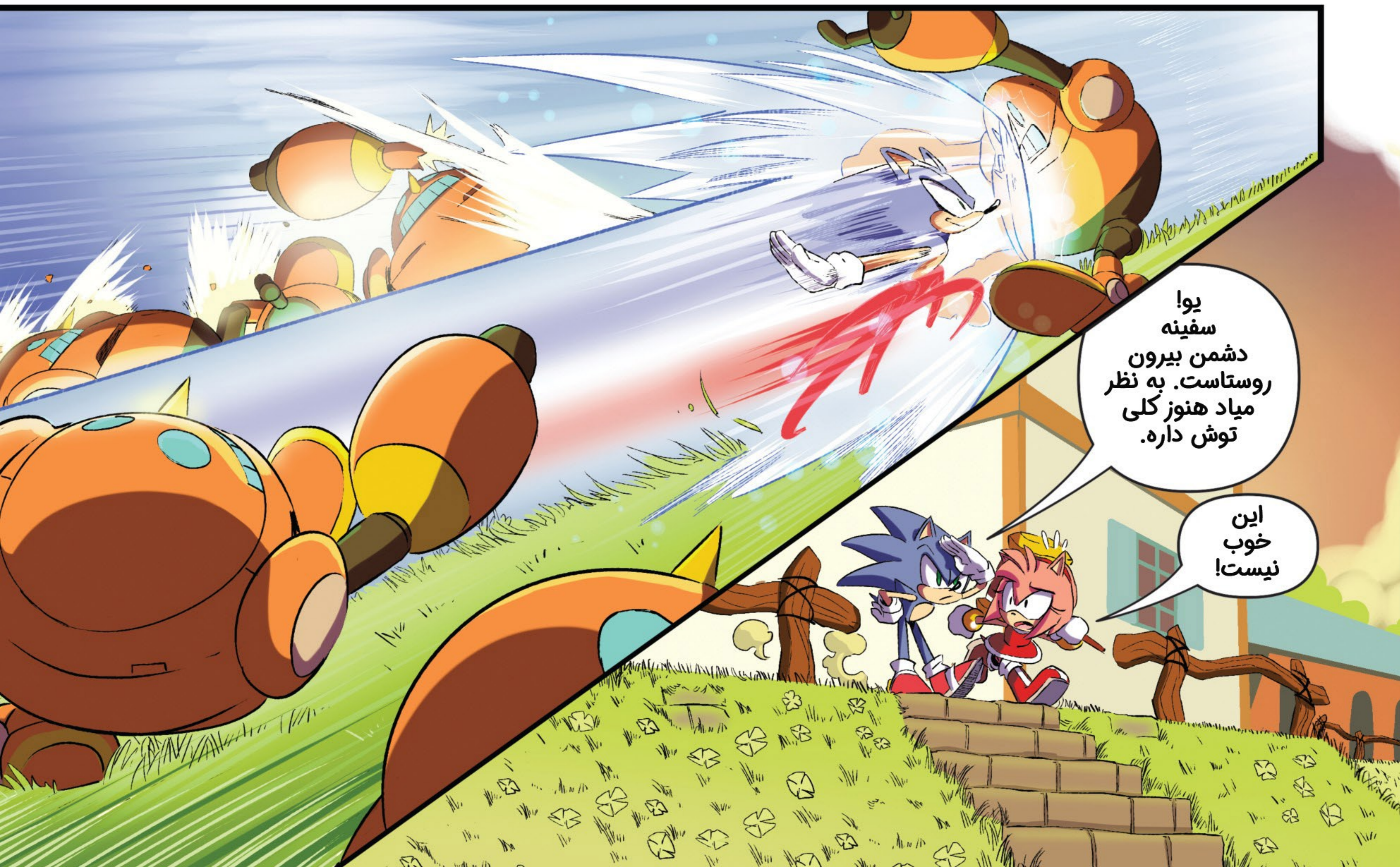
ششوق



من بهت گفتم
چه چیزی برام
بهتر کار می‌کنه.

خب،
به این فکر نکردی
چه چیزی بهتر
کار می‌کنه برای
بقیه ماها؟

پیچو





امكان نداره
بتونيم همچين
جمعيتي رو شكست
بديم!

از راه معمولي؟
نه.

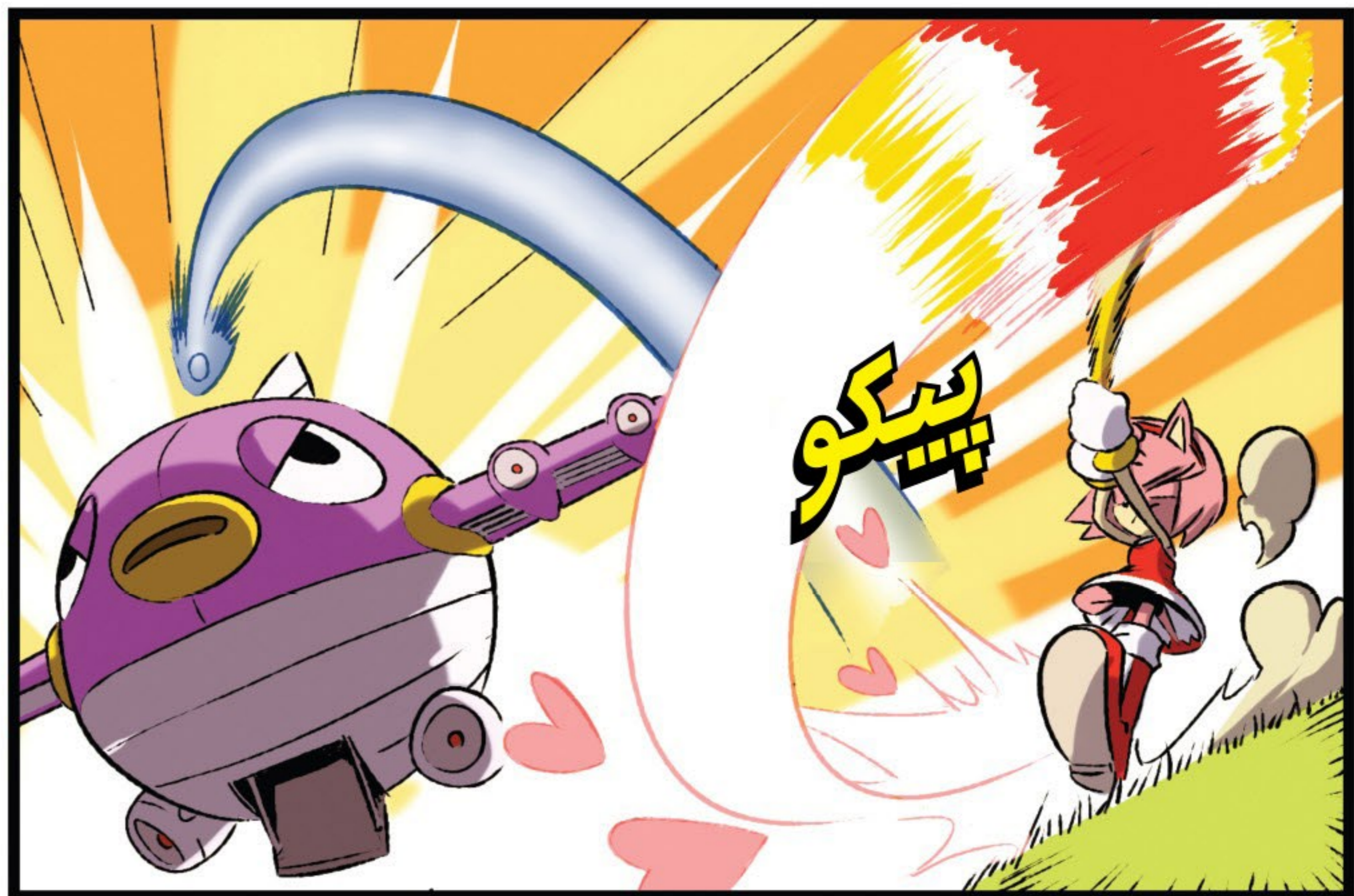


فكر كنم الان
وقت به گروكت
بمبي هست!

از اين
فاصله؟ الحق كه
به ديوونه‌ي نترسي.



واليسی واليسی اوریسی





"یک شکست دیگه.
در نظر نگرفته بودم که
چقدر ایمنی رز رشد
کرده."



و حالا
سونیک از مسیر
مدنظرم منحرف داره
میشه. چقدر...
ناامید کننده.

نیمه پر لیوان
رو ببینید، رییس،
این چیزی که
یه کله داره میره
سمتتس.

آاه...
شاید اونا بتونن
کارش رو برام
تموم کنن...

